

ہمدوش انتباہات — نمبر پانچ

آشکار سازی شیر قبیلہ یھودا: درکِ صحنہ های پایانی نبرد عظیم

Jeff Pippenger

2023-08-08

در بخشی که هنوز بدان می‌پردازیم، که در آن دربارهٔ مسیح به عنوان آن فرشته‌ای که در مکاشفہٴ ده فرود می‌آید سخن گفته شده است، مسیح به مثابهٔ فرشتهٔ نیرومند «نقشی را که او در صحنہ های پایانی نبرد عظیم با شیطان ایفا می‌کند» به تصویر می‌کشد. «وضعیتی» که مسیح اختیار کرد، آنگاه که پای راست خود را بر دریا و پای چپ خود را بر خشکی نهاد، «دلالیت بر قدرت و اقتدار برتر او بر تمامی زمین دارد.» هنگامی که مسیح «با آواز بلند» ندا درداد، او «فریاد برآورد» «چنان که شیر غرش می‌کند.»

مسیح قادر مطلق بودن خویش را در «صحنہ های پایانی نبرد عظیم» آشکار خواهد ساخت، و چون مسیح قادر مطلق بودن خویش را آشکار می‌سازد، این کار را همچون شیر قبیلہ یھودا انجام می‌دهد.

نجات‌دهنده نزد یوحنا تحت نمادهای «شیر سبط یھودا» و «برہای چون ذبح‌شده» معرفی می‌شود. مکاشفہ ۵:۵، ۶. این نمادها بیانگر اتحادِ قدرتِ قادر مطلق و محبتِ ازخودگذشته‌اند. شیر یھودا، که برای ردکنندگان فیض او هراس‌انگیز است، برای مطیعان و وفاداران، برہ خدا خواهد بود. «اعمال رسولان، ۵۸۹.

ظهور المسيح بصفته الأسد من سبط يهوذا يبرز عمله في ختم النبوة الكتابية وفكّ ختمها كليهما، بحسب توقيته الإلهي. وقبيل انقضاء مهلة اختبار البشر، حين «الوقت قريب»، سيكون هناك فكّ ختم لحق كتابي خاص يحدّد «ما لا بد أن يكون عن قريب».

مکاشفہٴ عیسی مسیح، که خدا آن را به او عطا فرمود تا اموری را که می‌باید به زودی واقع شود به بندگان خود نشان دهد؛ و آن را به واسطهٔ فرشتهٔ خویش برای بندهٔ خود یوحنا فرستاد و بیان کرد؛ همان که بر کلام خدا و بر شهادت عیسی مسیح و بر همهٔ آنچه دید، شهادت داد. خوشا به حال آن که می‌خواند، و آنان که سخنان این نبوت را می‌شنوند و آنچه را در آن نوشته شده است نگاه می‌دارند، زیرا زمان نزدیک است. مکاشفہ ۱:۱-۳

આશીર્વાદ પર તેઓ ત્યારે, છે આવે છતહિાસમાં વાસ્તવમાં" સમય "એવો" આવેલો નજીક "જ્યારે સંદેશો વશિષ આ." છે પાળે બાબતોને લખાયેલાં તેમાં અને "છે સાંભળે, છે વાંચે જે, છે આવે ઉચ્ચારવામાં. હોય" આવેલો નજીક સમય "જ્યારે છે શકાય ઓળખી જ ત્યારે માત્ર જે, છે સંદેશો સંવેદનશીલ-સમય, વાંચી" બાબતોને લખાયેલાં "પુસ્તકમાં પ્રકાશનના લોકો—નહી પહેલાં તે અને, સમયે જ એ—ત્યારે "છે સાંભળે", "છે વાંચે "લોકો જે ત્યારે, હોય" આવેલો નજીક સમય "જ્યારે. શકશે" પાળી અને "સાંભળી એ"સમય અંતના "આશીર્વાદ ઉચ્ચારાયેલો પર તેમના" છે પાળે બાબતોને લખાયેલાં તેમાં અને" છે સમાનાંતર સાથે આવવા કરવામાં ખુલ્લા પુસ્તકના દાનચિલના

لیکن تُو اے دانی ایل، ان باتوں کو بند رکھ اور کتاب پر مہر کر دے، یہاں تک کہ آخر کے وقت تک؛ بہتیرے ادھر ادھر پھریں گے، اور علم بڑھ جائے گا۔ دانی ایل 12:4۔

آن «بسیارانی» که «به این سو و آن سو» می‌دوند، (که نمایانگر مطالعهٔ کلام خداست) این کار را در «زمان آخر» انجام می‌دهند، آنگاه که «سخنان» «کتاب» دانیال که «مختوم» شده بود، گشوده می‌گردد. اما دسته دیگری از باکرگان نیز درست پس از قانون یکشنبه در ایالات متحده، به این سو و

آن سو می دوند.

اینک ایامی می آید، می گوید خداوند یهوه، که در زمین قحطی خواهم فرستاد؛ نه قحطی نان و نه تشنگی آب، بلکه قحطی شنیدن کلام خداوند. و از دریا تا دریا سرگردان خواهند شد، و از شمال تا مشرق، به هر سو خواهند دوید تا کلام خداوند را بجویند، اما آن را نخواهند یافت. در آن روز، دوشیزگان زیبا و جوانان از تشنگی بی حال خواهند شد. آنان که به گناه سامره سوگند می خورند و می گویند: «ای دان، خدای تو زنده است»؛ و: «طریقت بئرشبع زنده است»؛ همانان فرو خواهند افتاد و دیگر هرگز برنخواهند خاست. عاموس 8:11-14.

گناه سامره همان گناهی بود که به وسیله آخاب و ایزابل نمود یافت؛ آخاب نماینده ایالات متحده بود و ایزابل نماینده کلیسای کاتولیک. ایزابل، آخاب و انبیای کاذب در رویارویی با ایلیا بر کوه کرم، نماد شریعت یکشنبه اند. در آن رویارویی، دو گروه از انبیای ناپاک حضور داشتند: انبیای بعل و کاهنان بیشه. بعل یکی از خدایانی بود که پرستش می شد؛ دیگری که در بیشه ها پرستش می شد عشتاروت بود. بعل خدایی مذکر بود و عشتاروت خدایی مؤنث. این دو در کنار یکدیگر، چنین دلالت دارند که الوهیت مذکر نماینده دولت است و الوهیت مؤنث نماینده کلیسا.

آن خدایی که در دان برپا شد، به وسیله یربعام، نخستین پادشاه سامره، برپا گردید؛ همان که در بیت ئیل و دان، هر دو، گوساله ای زرین برافراشت. بیت ئیل به معنای «خانه خدا» است و دان به معنای «داوری»، و این دو با هم نمایانگر اتحاد کلیسا و دولت اند؛ اتحادی که در ایالات متحده پیش از اجرای اجباری یکشنبه داری رخ می دهد. آن دو گوساله زرین، به وسیله گوساله زرین هارون نمادینه شده بودند.

گوساله جانوری است و تندیس زرین یک تصویر؛ از این رو، گوساله زرین هارون و نیز دو گوساله زرین یربعام، نمایانگر اتحاد کلیسا و دولت اند که درست اندکی پیش از اجرای اجباری قانون یکشنبه در ایالات متحده رخ می دهد. در مورد یربعام، آن دو شهر، شاهد دومی برای نمادپردازی اتحاد کلیسا و دولت فراهم می آورند؛ اتحادی که در کتاب مکاشفه به عنوان تصویر وحش تعریف شده است.

طریق بیرشبع عهد ابراهیم کی نمائندگی کرتا ہے۔ نام «بیرشبع» کا پہلا ذکر پیدایش اکیس میں آتا ہے، اور یہ وہ عبارت ہے جسے رسول پولس نے اپنے زمانہ میں ان لوگوں کی مخالفت کے لیے استعمال کیا جو یہ تجویز کرتے تھے کہ نجات پانے کے لیے رسمی شریعتوں اور ختنہ کو برقرار رکھنا ضروری ہے۔ پولس اسی عبارت کو استعمال کرتا ہے جہاں بیرشبع کا پہلا ذکر واقع ہوا ہے۔ وہ اسی تاریخی واقعہ کو ایک ہی حکایت میں دو مختلف اور متضاد عہدوں پر گفتگو کرنے کے لیے برتتا ہے۔ پولس لونڈی کے بیٹے (اسمعیل) کو اس عہد کی نمائندگی کے لیے استعمال کرتا ہے جو انسانی قوت پر مبنی ہے، اور اسمعیل کے مقابل اسحاق کو پیش کرتا ہے، جسے وہ اس عہد کی نمائندگی کے لیے استعمال کرتا ہے جو خدا کی قدرت پر مبنی ہے۔ بائبل کی یہ عبارت وہ پہلی جگہ ہے جہاں بیرشبع کا ذکر آتا ہے، اور بعد کی تاریخ میں پولس اسی واقعہ کو اپنی ذاتی تاریخ میں پیش آنے والی ایک ایسی صورت حال کو بیان کرنے کے لیے استعمال کرتا ہے جس کی تمثیل بائبل تاریخ میں پہلے سے موجود تھی۔ پولس کا ایمان تھا اور وہ یہ تعلیم دیتا تھا کہ بائبل تاریخ اپنے آپ کو دہراتی ہے۔

برچند کہ پولس پیدایش اکیس کے اس اقتباس کو دو متضاد عہدوں کی مثال کے طور پر استعمال کرتا ہے، تاہم اسی عبارت میں دو عہد ایسے ہیں جو خدا ابراہام کے ساتھ باندھتا ہے، لیکن وہ وہی دو عہد نہیں ہیں جو پولس اس حکایت سے اخذ کرتا ہے۔ اس عبارت میں خدا نے دوبارہ وعدہ کیا کہ وہ اپنے اس وعدے کو، کہ ابراہام کو بہت سی قوموں کا باپ بنائے گا، اسحاق کے وسیلہ سے پورا کرے گا، اور اس نے یہ بھی وعدہ کیا کہ وہ اسمعیل کو ایک بڑی قوم کا باپ بنائے گا۔ کلام مقدس کا ایک اقتباس، چار عہدوں کا حوالہ، اور یہی پہلی بار ہے کہ بیرشبع کا ذکر صحائف میں آتا ہے۔

پس ساره به ابراهیم گفت: «این کنیز و پسرش را بیرون کن، زیرا پسر این کنیز با پسر من، یعنی با اسحاق، وارث نخواهد شد.» و این امر در نظر ابراهیم، به سبب پسرش، بسیار ناگوار آمد. و خدا به ابراهیم گفت: «مگذار این امر در نظر تو به سبب آن پسر و به سبب کنیزت ناگوار باشد؛ در هر آنچه ساره به تو گفته است، به سخن او گوش فرا ده، زیرا نسل تو در اسحاق خوانده خواهد شد. و نیز از پسر کنیز امتی پدید خواهیم آورد، زیرا او نیز نسل توست.» و ابراهیم بامدادان برخاست و نان و مشکی آب برگرفت و آنها را به هاجر داد و بر دوش او نهاد، و کودک را نیز، و او را روانه کرد؛ و او رفت و در بیابان یثرب سرگردان شد. پیدایش 14-21:10.

یثرب، نماینده عهد ابراهیم است. در همان فصل، ابراهیم همچنین با ابی‌ملک نیز عهد بست.

و در آن زمان واقع شد که ابی‌ملک و فیخول، سردار سپاهش، با ابراهیم سخن گفتند و گفتند: خدا در هر آنچه می‌کنی با توست. پس اکنون اینجا برای من به خدا سوگند بخور که نه با من و نه با پسر من و نه با پسر پسر من به دروغ رفتار خواهی کرد؛ بلکه بر وفق احسانی که من با تو کرده‌ام، تو نیز با من و با سرزمینی که در آن غربت گزیده‌ای، رفتار خواهی نمود. و ابراهیم گفت: سوگند خواهم خورد.

و ابراهیم ابی‌ملک را به سبب چاه آبی که بندگان ابی‌ملک به زور گرفته بودند، سرزنش کرد. و ابی‌ملک گفت: نمی‌دانم چه کسی این کار را کرده است؛ نه تو مرا از آن آگاه ساختی، و نه من تا امروز چیزی از آن شنیده بودم.

وَأَخَذَ إِبْرَاهِيمُ غَنَمًا وَبَقَرًا وَأَعْطَاهَا لِأَيْمَالِكَ؛ فَقَطَعَا كِلَاهُمَا عَهْدًا. وَأَقَامَ إِبْرَاهِيمُ سَبْعَ نِعَاجٍ مِنَ الْغَنَمِ عَلَى حِدَةٍ. فَقَالَ أَيْمَالِكُ لِإِبْرَاهِيمَ: مَا مَعْنَى هَذِهِ النِّعَاجِ السَّبْعِ الَّتِي أَقَمْتَهَا عَلَى حِدَةٍ؟

و گفت: «این هفت برهه‌میش را از دست من بپذیر، تا برای من گواهی باشد که این چاه را من کنده‌ام.» از این‌رو آن مکان را یثرب نامید، زیرا هر دوی ایشان در آنجا سوگند خوردند. بدین‌سان در یثرب عهد بستند؛ سپس ابی‌ملک و فیخول، سردار سپاهش، برخاستند و به سرزمین فلسطینیان بازگشتند. و ابراهیم در یثرب درختستانی غرس کرد، و در آنجا نام یهوه، خدای سرمدی، را خواند.

و ابراهیم در زمین فلسطینیان روزهای بسیار اقامت گزید. پیدایش 22:21-34.

بئر سبع نماد عهد خدا با ابراهیم است. در کتاب مقدس چندین سرگذشت عهد وجود دارد که بئر سبع را با عهد ابراهیم پیوند می‌دهد. «بئر» به معنی چاه است و «سبع» به معنی «هفت». سبع همان واژه عبری‌ای است که به درستی از سوی ویلیام میلر به صورت «هفت زمان» ترجمه و فهمیده شد تا بیانگر نبوت دو هزار و پانصد و بیست سال در لاویان بیست‌وشش باشد. این نخستین «نبوت زمانی» بود که او کشف کرد، و نخستین حقیقت بنیادی‌ای بود که در سال ۱۸۶۳ کنار گذاشته شد. در بخشی که واژه «سبع» در چهار آیه متفاوت به صورت «هفت زمان» ترجمه شده است، مجازات خدا که با «هفت زمان» نمایانده شده، «مخاصمه عهد من» نامیده شده است.

پس من نیز با شما به مخالفت رفتار خواهم کرد، و شما را به سبب گناهانتان هفت‌چندان مجازات خواهم نمود. و شمشیری بر شما خواهم آورد که انتقام عهد مرا بگیرد؛ و چون در شهرهای خود گرد آیید، وبا را در میان شما خواهم فرستاد؛ و به دست دشمن تسلیم خواهید شد. لاویان 24:26، 25.

واژه‌ای که به «هفت بار» ترجمه شده و بیانگر «مخاصمه» عهد خدا در لاویان بیست‌وشش است، و همان «شیع» در واژه یثرب می‌باشد، در کتاب دانیال نیز دو بار ترجمه شده است: یک بار به «قسم» که در شریعت موسی نوشته شده است، و یک بار به «لعنت». هم «قسم» و هم «لعنت» از واژه

«شیع» ترجمہ شدہ اند، زیرا این واژه نہ تنها بہ معنای «ہفت» است، بلکہ مفہوم عہد یا «قسم» را نیز در بر دارد کہ اگر شکستہ شود، «لعت» پدید می‌آورد.

آری، تمامی اسرائیل از شریعت تو سرپیچی کردہ اند و منحرف شدہ اند تا آواز تو را اطاعت نکنند؛ از این رو لعنت بر ما فرو ریختہ است، و نیز آن سوگندی کہ در شریعت موسی، بندہ خدا، مکتوب است، زیرا کہ ما بہ او گناہ ورزیدہ ایم. دانیال ۹:۱۱

واژہ «شیع» یا «ہفت» کہ نمایانگر ہفت برہای بود کہ نزد چاہی در بشر شعب تقدیم شدند، نشان دہندہ عہد است. و عہد خدا، یا سوگند او، بیان می‌دارد کہ مطیعان زندہ می‌مانند و نافرمانان می‌میرند.

بئر سبع ترمز إلى العهد الذي يمثله إيمان إبراهيم. ولذلك، فعندما تقسم «العذارى الجميلات» المذكورات في عاموس 8، اللواتي هن أيضاً «العذارى الجاهلات» في متى 25، وهن أيضاً «الأشرار» في دانيال 12، «بخطيئة السامرة»، فإنهن يقسمن بالولاء لسيمة إيزابل (البابوية) التي ارتكبت الزنا مع أخاب (الأمم المتحدة) والتي تملك على صورة الوحش (الولايات المتحدة).

وقتی همان «باکرہ‌های زیبا» می‌گویند «ای دان، خدای تو زندہ است»، در برابر پیکر زرین گوسالہ، چنان کہ بہ وسیلہ دو شاہد (ہارون و یربعام) معین شدہ است، سجدہ می‌کنند. گوسالہ زرین نمایانگر صورت وحش است، کہ همان ترکیب کلیسا و دولت می‌باشد.

جب وہی کنواریاں یہ دعویٰ کرتی ہیں کہ بیرسبع کا "طریقہ" "زندہ ہے"، تو لفظ "طریقہ" کے معنی "راہ" ہیں۔ یہی وہی لفظ ہے جو یرمیاہ 6:16 میں "قدیم راستوں" کی "راہوں" کی شناخت کے لیے استعمال ہوا ہے۔ وہ کنواریاں کہہ رہی ہیں کہ اگرچہ انہوں نے حیوان کی مورت کو سجدہ کیا ہے اور اس کے اختیار کے نشان کو قبول کر لیا ہے، پھر بھی وہ ابراہیم کی اولاد ہیں۔ وہ خدا کے کلام میں گھبراہٹ کے عالم میں ادھر ادھر دوڑتی پھر رہی ہیں، اُس پیغام کی تلاش میں جو "مشرق" اور "شمال" اور "ایک سمندر سے دوسرے سمندر تک" سے ممتل ہے، اور پھر بھی اپنے آپ کو سیونٹھ ڈے ایڈونٹسٹ کہتی ہیں، لیکن اب بہت دیر ہو چکی ہے۔

لیکن مشرق اور شمال کی طرف سے آنے والی خبریں اسے مضطرب کر دیں گی؛ اس لیے وہ بڑی غضبناکی کے ساتھ نکلے گا تاکہ بہتوں کو ہلاک کرے اور بالکل نیست و نابود کر دے۔ اور وہ اپنے شاہی خیموں کو سمندروں کے درمیان جلیل القدر مقدس پہاڑ پر نصب کرے گا؛ تو بھی وہ اپنے انجام کو پہنچے گا، اور کوئی اس کی مدد نہ کرے گا۔ دانی ایل 11:44، 45.

وہ کنواریاں ان پچھلی دو آیات کے پیغام کی متلاشی ہیں۔ آخری تنبیہی پیغام، جو 1989 میں زمانہ آخر میں کھولا گیا، جب جیسا کہ دانی ایل باب گیارہ آیت چالیس میں بیان ہوا ہے، سابق سوویت یونین کی نمائندگی کرنے والے "ممالک" پاپائیت اور ریاستہائے متحدہ کے ہاتھوں بہا دیے گئے، پاپائیت کے آخری عروج اور زوال کی نشان دہی کرتا ہے۔ ان دو آیات میں ایک پیغام، جس کی نمائندگی مشرق اور شمال کرتے ہیں، شمال کے بادشاہ (پوپ) کو غضب ناک کر دیتا ہے اور آخری ایذارسانی شروع ہو جاتی ہے، اور یہ آیت پینتالیس میں ختم ہوتی ہے جب پاپائیت "خیموں" کو نصب کرتی ہے، جو عبرانی لفظ سے آیا ہے جس کا معنی "خیمہ" ہے، (خیمہ کلیسیا کی ایک علامت ہے)، لیکن یہ اس کے "محل" کا "خیمہ" ہے، جو ایک ریاست کی نمائندگی کرتا ہے۔ وہ اس خیمہ کو، جو کلیسیا اور ریاست کے اتحاد کی نمائندگی کرتا ہے، یا جیسا کہ یوحنا اسے مکاشفہ میں پکارتا ہے، حیوان کی صورت، "سمندروں کے درمیان" نصب کرتا ہے، جمع کے صیغے میں۔ خوب صورت کنواریاں دانی ایل باب گیارہ کی آیات چوالیس اور پینتالیس میں ظاہر کیے گئے آخری تنبیہی پیغام کی متلاشی ہیں، اور بالکل اگلی آیت میں میکائیل کھڑا ہو جاتا ہے اور مہلت آزمائش بند ہو جاتی ہے۔ اور اُس وقت عاموس 8:14 کہتا ہے کہ خوب صورت کنواریاں "گریں گی، اور پھر کبھی نہ اٹھیں گی۔"

هنگامی که باکرگان زیباروی، در همان زمانی که در برابر صورت وحش تعظیم می‌کنند، ادعا می‌نمایند که ادونتییست‌های روز هفتم هستند، یوحنا ایشان را چون یهودیانی معرفی می‌کند که می‌گویند یهودی‌اند، اما نیستند. آنان مدعی‌اند که فرزندان ابراهیم‌اند، اما دروغ می‌گویند.

اینک آنان را که از کنیسه شیطان‌اند و می‌گویند یهودی هستند و نیستند، بلکه دروغ می‌گویند، چنان خواهیم ساخت که بیایند و در برابر پاهای تو عبادت کنند و بدانند که من تو را محبت کرده‌ام. مکاشفه ۳:۹

آنان نشان پاپیت را پذیرفته‌اند و بدین‌سان خصلت او را نیز پذیرفته‌اند. دعوی می‌کنند که یهودی‌اند، یا دعوی می‌کنند که ادونتییست نگاه‌دارنده سبت‌اند، اما در آن صورت دارای خصلت پاپ هستند، که از جمله در «هیکل خدا» می‌نشیند. دعوی می‌کنند که ادونتییست‌اند، یا دعوی می‌کنند که در هیکل ادونتییستی هستند، اما به همان اندازه که پاپ مسیحی نیست، آنان نیز ادونتییست نیستند.

کسانی که «به این سو و آن سو» می‌دوند و در جست‌وجوی «کلام خداوند» هستند، همان «حکیمان»ی که در کتاب دانیال شناسانده شده‌اند نیستند—بلکه به عنوان «باکره‌ها» شناخته می‌شوند. آشکار است که آنان که در آیات سرگردان‌اند، گرسنگی می‌کشند و از تشنگی می‌میرند، «کلام‌های خداوند» را «درک» نمی‌کنند، زیرا در همان آیات در پی همان چیز هستند. کلام خداوند که درست پیش از بسته شدن زمان آزمایش آشکار می‌شود، مکاشفه عیسی مسیح است، و باکره‌های جاهل، شریر یا «دوشیزگان زیبا» کسانی هستند که افزایش معرفت برخاسته از کتاب دانیال را درک نکردند. آنان روغن لازم را نداشتند تا، چنان‌که متی تعلیم می‌دهد، به سوی عروسی ادامه دهند.

آن «قحطی» همان پایان مهلت توبه است. «دوشیزگان» عاموس که در آن آیات در جست‌وجوی نان (کلام خدا) و آب (روح‌القدس) هستند، همان «شریران» دانیال‌اند که «نمی‌فهمند». آنان همان دوشیزگان نادان متی هستند که در پی روح‌القدس‌اند؛ و این، به اتفاق سه شاهد، آنان را به عنوان کسانی معرفی می‌کند که درمی‌یابند فرصت ایشان برای آماده شدن جهت عروسی سپری شده است و جامه‌ای برای رفتن به عروسی ندارند، زیرا از «شنیدن» پیام خاصی که اکنون در حال گشوده شدن است، سر باز زدند. از زمانی که آن پیام خاص گشوده می‌شود تا پایان مهلت توبه، زمان آخرین دعوت برای نجات است. رسیدن به آن زمان در حالی که آماده نباشند، یعنی خود را برای شنیدن این کلمات آماده کرده‌اند: «بسیار دیر شده است!»

«دنیایی هست که در شرارت، در فریب و گمراهی، و در همان سایه مرگ خفته است—خفته، خفته. چه کسانی درد جان احساس می‌کنند تا آنان را بیدار سازند؟ کدام صدا می‌تواند به آنان برسد؟ ذهن من به آینده برده شد، هنگامی که آن علامت داده خواهد شد. "اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید." اما برخی در به‌دست آوردن روغن برای پر کردن چراغ‌های خود تأخیر کرده خواهند بود، و بسیار دیر خواهند دریافت که سیرت، که به وسیله روغن نمایانده شده است، قابل انتقال نیست.» Review and Herald, February 11, 1896.

خط نبوتی که در مثل ده باکره بازنمایی شده است، از روغن به‌عنوان نماد سیرت استفاده می‌کند، اما «روغن زرین» و «روغن مقدس» نیز نمایانگر پیام‌های «روح خدا» است.

«ممسوحانی که نزد خداوند تمام زمین ایستاده‌اند، همان مقامی را دارند که زمانی به شیطان به‌عنوان کروب‌ی سایه‌گستر داده شده بود. خداوند به‌واسطه موجودات مقدسی که گرداگرد تخت او هستند، ارتباطی پیوسته با ساکنان زمین برقرار می‌دارد. روغن زرین، نمودار فیضی است که خدا به‌وسیله آن چراغ‌های ایمانداران را پیوسته فراهم می‌سازد تا سوسو نزنند و خاموش نگردند. اگر این روغن مقدس در پیام‌های روح خدا از آسمان فرو ریخته نمی‌شد، عوامل شر به‌طور کامل بر انسان‌ها تسلط می‌یافتند.»

«خدا زمانی بی‌حرمت داشته می‌شود که پیام‌هایی را که او برای ما می‌فرستد دریافت نکنیم. بدین‌سان، آن روغن زرین را که او می‌خواهد در جان‌های ما فرو ریزد تا به آنان که در تاریکی‌اند رسانیده شود، رد می‌کنیم. هنگامی که ندا دررسد: "اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید"، آنان که روغن مقدس را دریافت نکرده‌اند، و فیض مسیح را در دل‌های خود گرامی نداشته‌اند، همچون باکره‌گان نادان خواهند یافت که برای ملاقات خداوند خویش آماده نیستند. آنان در خود قدرتی برای به‌دست آوردن آن روغن ندارند، و زندگی‌شان تباه می‌گردد. اما اگر روح‌القدس خدا طلب شود، اگر همان‌گونه که موسی التماس کرد، ما نیز بگوییم: "جلال خود را به من بنما"، محبت خدا در دل‌های ما ریخته خواهد شد. از طریق لوله‌های زرین، آن روغن زرین به ما رسانیده خواهد شد. "نه به قوت و نه به قدرت، بلکه به روح من، یهوه صباوت می‌گوید." فرزندان خدا با دریافت پرتوهای درخشان آفتاب عدالت، همچون نورها در جهان می‌درخشند.» Review and Herald, July 20, 1897

کسانی که در عاموس «از این سو به آن سو می‌دوند» بر شهادتی می‌افزایند که آن گروه از ادونتیست‌های روز هفتم را شناسایی می‌کند که مسئولیت خود را برای «فهمیدن» آن پیام ویژه از کتاب مکاشفه، که هنگامی که «وقت نزدیک است» گشوده می‌شود، رد می‌کنند.

«اکنون ما در زمانی بس خطرناک زندگی می‌کنیم، و هیچ‌یک از ما نباید در جستن آمادگی برای آمدن مسیح درنگ ورزد. مبدا کسی از نمونه باکره‌های نادان پیروی کند و بیندیشد که ایمن خواهد بود اگر تا فرا رسیدن بحران صبر کند و آنگاه برای ایستادن در آن زمان، آمادگی منش حاصل نماید. وقتی میهمانان فراخوانده شوند و مورد رسیدگی قرار گیرند، دیگر برای طلب پارسایی مسیح بسیار دیر خواهد بود. اکنون زمان آن است که پارسایی مسیح را در بر کنیم—جامه عروسی‌ای را که شما را شایسته ورود به ضیافت عروسی بره خواهد ساخت. در این مثل، باکره‌های نادان چنین تصویر شده‌اند که برای روغن التماس می‌کنند، و با وجود درخواستشان، آن را دریافت نمی‌دارند. این نماد کسانی است که خود را از راه پرورش منش لازم برای ایستادن در زمان بحران آماده نساخته‌اند. گویی نزد همسایگان خود می‌روند و می‌گویند: منش خود را به من بدهید، وگرنه هلاک خواهم شد. آنان که دانا بودند، نمی‌توانستند روغن خود را به چراغ‌های رو به خاموشی باکره‌های نادان منتقل کنند. منش انتقال‌پذیر نیست. نه می‌توان آن را خرید و نه فروخت؛ بلکه باید آن را به دست آورد. خداوند به هر فرد فرصتی عطا کرده است تا در طی ساعات مهلت آزمایش، منش پارسا حاصل کند؛ اما راهی فراهم نیاورده است که به واسطه آن، یک عامل انسانی بتواند منشی را که خود از رهگذر گذراندن تجربه‌های سخت و آموختن درس‌ها از معلم اعظم پرورده است، به دیگری منتقل سازد، تا بدین‌سان بتواند در زیر آزمایش صبر را ظاهر کند و ایمان را به کار بندد، به گونه‌ای که کوه‌های ناممکن را از میان بردارد. انتقال دادن عطر محبت ناممکن است—بخشیدن حلم، درایت، و پایداری به دیگری ناممکن است. برای یک دل انسانی ناممکن است که محبت خدا و انسانیت را در دل دیگری بریزد.»

«اما روزی در راه است، و بر ما نزدیک شده است، که در آن هر بُعد منش به وسیله وسوسه‌ای خاص آشکار خواهد شد. آنان که بر اصول وفادار می‌مانند و تا پایان ایمان را به کار می‌برند، همان کسانی خواهند بود که در ساعات پیشین دوره آزمایش خویش، در زیر محک و ابتلا، وفاداری خود را ثابت کرده‌اند و شخصیت‌هایی به شباهت مسیح پدید آورده‌اند. اینان کسانی خواهند بود که الفتی نزدیک با مسیح را پرورش داده‌اند و به واسطه حکمت و فیض او، شریک طبیعت الهی گشته‌اند. اما هیچ انسان نمی‌تواند به دیگری، اخلاص قلبی و خصال شریف ذهن را ببخشد و کمبودهای او را با نیروی اخلاقی جبران کند. هر یک از ما می‌توانیم برای یکدیگر کارهای بسیار انجام دهیم، از آن راه که به انسان‌ها نمونه‌ای مسیح‌گونه ارائه کنیم و بدین‌سان بر آنان تأثیر گذاریم تا برای آن عدالت که بدون آن در داوری تاب ایستادن ندارند، نزد مسیح بروند. انسان‌ها باید با دعا و تأمل، موضوع مهم شخصیت‌سازی را بررسی کنند و شخصیت‌های خود را بر وفق الگوی

الهى شكل دهند.» The Youth's Instructor, January 16, 1896